



خواست مشروط و خواست کلی

محمود مروارید

پژوهشگاه دانشهای بنیادی

خلاصه:

بعضی از خواست‌های ما مشروط هستند. برای مثال، من دوست دارم به سمینار بروم، مشروط به اینکه دوستم نیز شرکت کند. دیدگاه کلاسیک کمابیش این بوده‌است که در خواست مشروط، خواست (به عنوان یک گرایش گزاره‌ای) به گزاره‌ای شرطی تعلق می‌گیرد. ادینگتون (۱۹۹۵) و مک‌دانیل و برادلی (۲۰۰۸) استدلال‌های مهمی علیه این دیدگاه مطرح کرده‌اند و تحلیل‌های دیگری از خواست مشروط ارائه داده‌اند. به باور ادینگتون، خواست مشروط را می‌توان بر حسب ترجیحات شخص (the subject's preferences) توضیح داد. مک‌دانیل و برادلی نیز این پیشنهاد را مطرح کرده‌اند که خواست مشروط یک رابطه سه موضعی (میان شخص و دو گزاره مجزا) است. مسئله دیگر این است که محتوا و ساختار خواست‌های کلی (مانند این خواست که همه بیماران بهبود یابند) چیست؟ نظریات متفاوت درباره خواست مشروط طبیعتاً به تحلیل‌های متفاوتی از خواست کلی می‌انجامد. اما به نظر می‌رسد دیدگاه‌های شناخت‌گرایانه درباره خواست (the cognitivist views of desire) می‌توانند تحلیل بهتر و ساده‌تری از خواست‌های کلی به دست دهند، و همین، مزیت قابل توجهی برای این دیدگاه‌ها به شمار می‌آید.

زمان: دوشنبه، ۱۸ خرداد ماه ۹۴، ساعت ۱۶ الی ۱۸

مکان: میدان شهید باهنر، پژوهشگاه دانشهای بنیادی (مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات)،

پژوهشکده فلسفه تحلیلی، سالن شماره ۱